

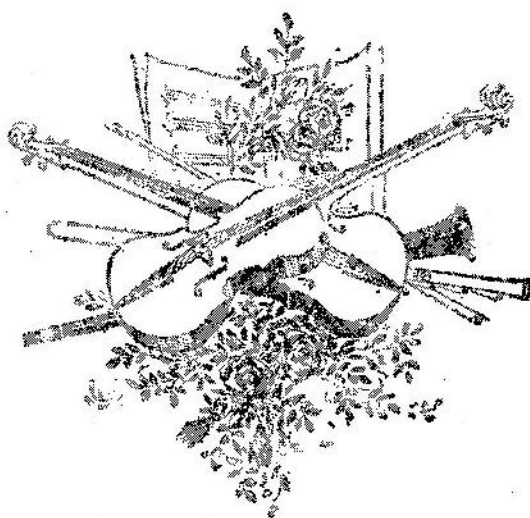
والاس براکوی و هربرت واینستاک

## مردان موسیقی

مترجم  
مهدی فروغ



[Shiraz-Beethoven.ir](http://Shiraz-Beethoven.ir)



## مقدمه مترجم

هشت نه سال پیش، شاید هم کمی بیشتر، مؤسسه انتشارات فرانکلین، کتاب «مردان موسیقی» را برای ترجمه به اینجانب تحویل داد. چون مترجم، آن را کتابی جامع و پرمطلب و درعین حال مستند و دور از تعصب و نظرهای افراطی یافت، علاقه مند و امیدوار بود که ترجمه آن را در مدتی کوتاه به پایان برساند. ولی با اشتغالات اداری و مسئولیتهای آموزشی که در وزارت فرهنگ و هنر، برحسب وظیفه، به عهده اش مقرر و محول بود، فرصت کافی برای ترجمه مستمر و بدون وقفه به دست نمی آمد.

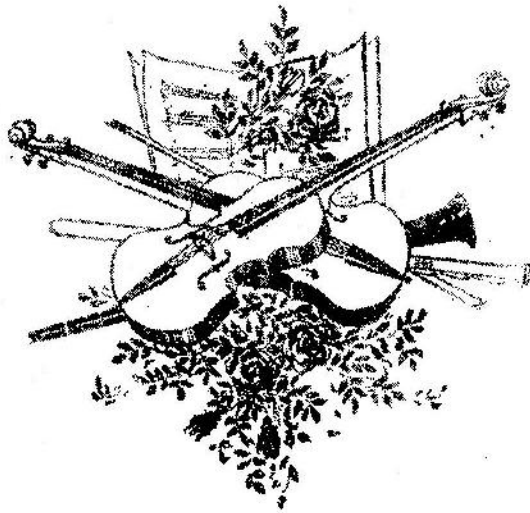
تأسیس و تشکیل و سرپرستی اداره هنرهای دراماتیک در سال ۱۳۳۶، و پس از آن، دانشکده هنرهای دراماتیک، در سال ۱۳۴۳، از کارهایی نبود که بتوان درباره آن مسامحه روا داشت. هرگاه که مترجم از وظایف اداری و تعلیم و تدریس چندساعتی فراغت حاصل می کرد، و یا روز تعطیلی فرا می رسید، به ترجمه چند

صفحه‌ای مبادرت می‌کرد و از این رو کار ترجمه با سرعت دلخواه به پیش نمی‌رفت. از طرف دیگر، ترجمه کتابی دربارهٔ موسیقی غربی، که حاوی وقایع تاریخی و سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف، و تفسیرهای فنی و فلسفی و روانی است، و از حدود شرح حال عادی روزانه تجاوز می‌کند، صرف‌نظر از دقت و فراغت ممتد و مستمر، به یک سلسله توضیحاتی، به صورت زیرنویس، نیاز داشت، که استفاده‌اش، بخصوص برای جوانان علاقه‌مند، بیشتر و سهلتر باشد. تعبیرات و اصطلاحات فنی که در کتاب مردان موسیقی به کار رفته‌عموماً به زبان ملی‌مصنفانی است که شرح احوالشان مطرح است و مترجم خود را ناگزیر می‌دیده که برای تلفظ صحیح و تعبیر و تفسیر آنها به زبان فارسی، با صرف‌کردن وقت زیاد، به فرهنگهای مختلف روسی و آلمانی و ایتالیائی و فرانسوی و لاتین و زبانهای دیگر مراجعه کند. اصرار مترجم به اینکه اصطلاحات و تعبیرات فنی را، تا آنجا که میسر است، به زبان فارسی درآورد، و با به‌کار بردن آنها به زبان خارجی، در تعهد خود در کار ترجمه اهمال نورزد موجب شد که مقداری از وقت او در جستجوی منابع تحقیقی مختلف صرف شود. در نتیجه به استثنای تعداد معدودی کلمات خارجی، نظیر موومان، وریتم، که در موسیقی غربی مفهوم خاص دارد، و در همهٔ زبانهای جهان نیز یکسان به کار می‌رود و در زبان فارسی هم واژه مناسبی برای آنها نیست، همهٔ اصطلاحات فنی یاد‌رمتن به زبان فارسی آمده و یا به صورت زیرنویس توضیح لازم دربارهٔ آن داده شده است. مترجم سعی کرده است مسئولیت فهم مطلب را برای خواننده تا حدود زیادی به عهده بگیرد. خلاصه اینکه همهٔ این مسائل به اضافهٔ پیش‌آمدهایی که مجال ذکر آن در اینجا نیست موجب تأخیر در کار ترجمهٔ این کتاب شد.

به حال مترجم بسیار خرسند است که موفق شده ترجمهٔ کتابی را که شامل اطلاعات دقیق و مبسوطی دربارهٔ احوال و آثار نخبهٔ مصنفان موسیقی کلاسیک و رومانیک و مدرن و اپراست در اختیار علاقه‌مندان به موسیقی می‌گذارد. گرچه ترجمهٔ آن به طول انجامید ولی بالاخره پایان پذیرفت. مطالعهٔ آن ما را به مقام و مرتبهٔ صوری و معنوی خداوندان موسیقی مغرب و ارزش و اعتبار واقعی آثار ایشان آنطور که باید آگاه می‌سازد. چون یکی از امتیازات این کتاب این است که از افسانه‌های ساختگی، که عموماً دربارهٔ بزرگان رواج می‌گیرد، و علاقه‌مندان فزون‌تری هم دارد، عاری است. توفیق خوانندگان گرامی را از خداوند خواستار است.

۶ شهریور ماه ۱۳۵۰، سالزبورگ

دکتر مهدی فروغ



## پیشگفتار نویسندگان کتاب در چاپ جدید

از موقعی که پیشنویس کتاب «مردان موسیقی» به پایان رسیده است یازده سال میگذرد، و در این مدت هشت بار انتشار یافته است. این کتاب محصول نهائی چندین سال بحث و گفتگوی بدون وقفه، دربارهٔ هنر و ادب بود، و پس از انتشار کتاب نیز این گفتگو، بخصوص در مورد موسیقی، همچنان ادامه داشت. بحث ما به آنچه نوشته و منتشر ساخته بودیم محدود نبود. شامل مطالبی هم که احتمالاً این کتاب را به صورت مطلوبی که آرزوی ما بود در می آورد نیز می شد، هم انتقادهایی را که از کتاب شده بود با دقت مطالعه می کردیم و هم فکرهای تازه ای که به ذهن خودمان می رسید. در ضمن معلوم شد که موقع انتشار نهمین چاپ کتاب نزدیک شده و احساس کردیم که نیاز به اصلاح کلی دارد. مطالبی دربارهٔ سالهای اخیر باید بر آن اضافه کرد و بر حجم آن افزود. چاپ جدید محصول این احساس است.

عبارت «اصلاح کلی» نیاز به توضیح دارد. ما سعی نکردیم که طرح همه کتاب را در هم بریزیم تا با عقاید تغییر یافته و (همواره تغییر پذیر) ما درباره جزئیات مختلفی که به فکرمان می‌رسد موافق افتد. اصلاح یکصد و چند نکته کوچک که عموماً موجب تغییر مختصری در مطالب جزئی کتاب می‌شد. کفایت می‌کرد. پاره‌ای از اطلاعات تازه کشف شده در جاهای مناسب درج شد. رای خود را در آنچه گفته بودیم به ندرت تغییر دادیم. فقط موقعی تغییر دادیم که از خواندن آن خودمان شرمگین می‌شدیم، برای نمونه از اشخاص کنجکاو دعوت می‌کنیم که ارزیابی ما را از موسیقی عزای وردی در چاپ جدید ما با بی‌اعتنائیمان به این محصول عالی نبوغ در چاپ نخستین مقایسه کنند. از طرف دیگر از لحاظ تأکید گذاشتن روی بعضی از نظرها، که به مذاق عده‌ای مطلوب نبود، ما در رای خود همچنان پابرجا باقی ماندیم.

اگر یازده سال پیش ما می‌دانستیم که وقایع موسیقی سالهای بعد رابه کتاب خواهیم افزود این کار ما امروز بسیار آسان تر می‌شد. از بیست و یک مصنفی که به هر یک از آنها، در چاپ اول، یک فصل اختصاص داده شده بود سه نفر زنده بودند که دونفرشان هنوز هم زنده اند، ریشار اشتراوس در سال ۱۳۴۹ جهان را بدرود گفت و اگر هم زودتر از صحنه فعالیت بیرون رفته بود به عالم موسیقی لطمه‌ای وارد نمی‌آمد. شایعه تصنیف سنفونی جدیدی توسط جان سیبلیوس، آن مصنف هشتاد ساله<sup>۲</sup>، مثل ده دوازده سال اخیر همچنان در افواه است و ما هنوز انتظار می‌کشیم که ایگور استراوینسکی به مقام شامخ سالهای نخستین زندگیش برسد. ۳ از موقعی که فصل مربوط به سیبلیوس نوشته شده است تا کنون این مصنف کار قابل نکرده، و اگر کرده بسیار ناچیز بوده است. ولی اشتراوس و استراوینسکی سرگرم بوده‌اند، و ساخته‌های ایشان باکمال دقت و اخلاص ضبط گردیده است.

برای اینکه آخرین وقایع زمان در کتاب مردان موسیقی گنجانیده شود مطالبی به فصلهای مربوط به اشتراوس و استراوینسکی افزودیم. ولی فصل جدید هکتور برلیوز بیشتر و موجب افزایش حجم کتاب شد. ساخته‌های او راه‌چه بیشتر در سالهای اخیر شنیده‌ایم، این فکر در ما بیشتر قدرت گرفته که برلیوز در زمره مصنفان است که شرح احوال و انتقاد آثارشان در کتاب «مردان موسیقی» آمده. در چاپ اول کتاب هم درباره ذکر احوال این مصنف کمی تردید داشتیم ولی صرف نظر کردن

۱. آن دونفر هم فعلاً از جهان رفته‌اند. - م.

۲. جان سیبلیوس در سال ۱۹۵۰ هنگام انتشار چاپ مجدد کتاب مردان موسیقی هشتاد ساله بود و در سال ۱۹۵۷ از جهان رفت. - م.

۳. استراوینسکی در ۶ آوریل ۱۹۷۱ درگذشت. - م.



ما از آن در آن موقع دلیلی داشت که کاملاً معتبر بود. یازده سال پیش آثار برلیوز زیاد نواخته نمیشد و ما نمی‌توانستیم، با رعایت شرط صداقت و شرافت، داوری آثار او را ادعا کنیم. اکنون وضع عوض شده، گرچه هنوز هم کامل عوض نشده است.

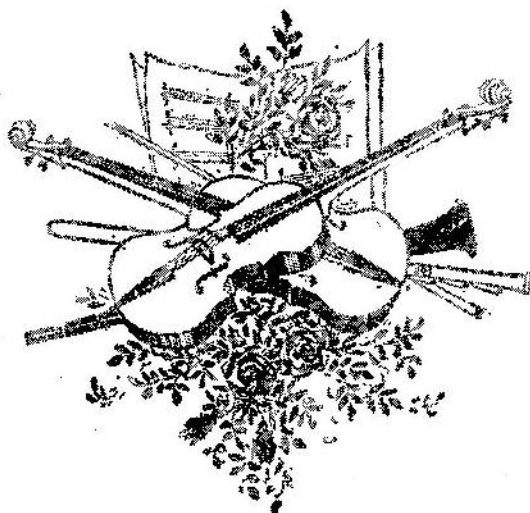
چند قطعه از آثار بزرگ این مصنف، متأسفانه فقط به صورت صفحه یا مطبوع، در دسترس ما قرار گرفت. بهر حال هنگامی که فصل مربوط به او را می‌نوشتیم، و درباره آن بحث می‌کردیم، امکان شنیدن بیشتر ساخته‌های او فراهم بود که از جمله یکی قطعه رومئو و ژولیت بود، که موفق شدیم آن را از آغاز تا انجام از رادیو، و با استفاده از صفحه بشنویم.

والاس برالتوی  
هربرت واینستاک  
نیویورک  
۲۲ فوریه ۱۹۵۰

## قدرشناسی

برای عقاید و نظرهایی که در این کتاب آمده تنها نویسندگان آن مسئول هستند. با اینهمه خود را مدیون مساعدتهای پرارزش بسیاری از دوستان و نیکخواهان میدانند. از اینرو مایلند از ریچارد ل. سیمون، برای پیشنهادهای آگاهی بخش تشکر کنند. از مارگریت اشلاس، که نسخه دستنویس کتاب را خواند، و نویسندگان را از لغزشهای نامعقول، که چندان هم کم نبود، آگاه ساخت، همیشه سپاسگزار هستند. همچنین خود را بی اندازه مدیون تفسیرهای شوق انگیز هنری ه. بلامن فقید، و رابرت آ. سیمون می شناسند. بن میرلمن در تدارك فهرست اعلام مساعدت فراوان کرده، و بارت کیث ویز وظیفه خواندن و تصحیح نهایی مطالب چاپ شده را به عهده داشت، و نکته های مضحک مختلفی را، که از روی بی توجهی در کتاب آمده بود، حذف کرد.

در تجدید چاپ کتاب هم انتقادهای ژاک بارزون، در مورد فصل مربوط به برلیوز، بی اندازه پر ارزش بوده است.



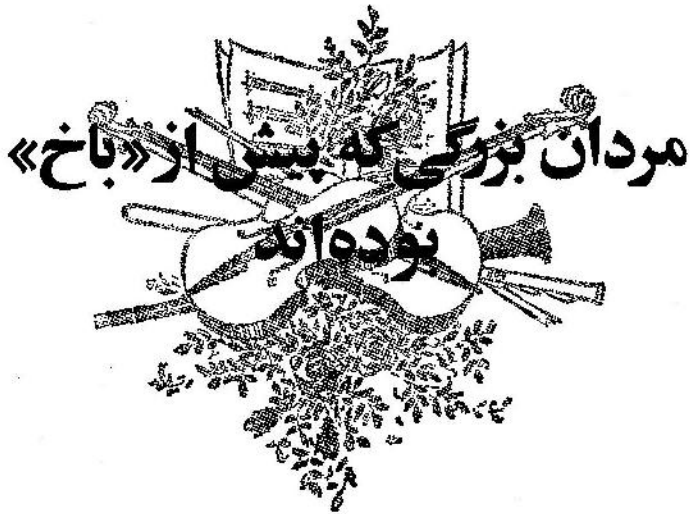
## فهرست مطالب

۱	مردان بزرگی که پیش از «باخ» بوده‌اند	فصل نخستین
۴۷	یوهان سباستیان باخ	فصل دوم
۷۱	جرج فردریک هندل	فصل سوم
۱۱۹	کریستف ویلی بالدفون گلوک	فصل چهارم
۱۴۴	فرانتز ژوزف هایدن	فصل پنجم
۱۷۳	وولفگانگ امه ده موزار	فصل ششم



۲۳۵	لودویگ ون بتهوون	فصل هشتم
۲۸۹	کارل ماریا فون وبر	فصل هشتم
۳۱۴	جواکینو آنتونیوروسینی	فصل نهم
۳۴۷	فرانتز پیتر شوپرت	فصل دهم
۳۷۳	فلیکس مندلسون بارتولدی	فصل یازدهم
۴۰۷	روبرت شومن	فصل دوازدهم
۴۳۷	فردریک - فرانسوا شوپن	فصل سیزدهم
۴۷۳	لوئی - هکتور برلیوز	فصل چهاردهم
۵۲۴	فرانتز لیست	فصل پانزدهم
۵۵۴	ریشار واگنر	فصل شانزدهم
۶۲۶	جوزه په وردی	فصل هفدهم
۶۶۲	یوهانس برامس	فصل هجدهم
۷۰۹	پیوتر ایلیچ چایکوفسکی	فصل نوزدهم
۷۴۸	کلود آشیل دبوسی	فصل بیستم
۷۹۱	ریشار اشتراوس	فصل بیست و یکم
۸۱۸	جان سیبیلیوس	فصل بیست و دوم
۸۴۵	ایگور استراوینسکی	فصل بیست و سوم

## فصل نخستین



در همان هنگامی که پرتو تند و خیره‌کننده خورشید رنسانس به شهر روم، یعنی مقر پاپ می‌تابید «جیووانی پی‌یر لوتی‌جی دا پالسترینا»، بزرگترین مصنفان موسیقی قدیم، بنویشتن سرودهای مذهبی برای مطرانها و اسقفهای دنیاوار و جمالپرست سرگرم بود. مردم سده شانزدهم ایتالیا زمینه و ترکیب، آب و رنگ زندگی پرتنوع خود را از این نهضت عظیم<sup>۱</sup> که کمال همت و آرزوی بشر بود میگرفتند. هنرمندان، در هر جا که بودند، ترویج امور خسی را تجلیل میکردند؛ مجسمه‌سازان با اخلاصی بی‌سابقه به مطالعه انحنای و پیچ و خم‌های پیکر آدمی مشغول بودند؛ نقاشان بجای تصویر معشوقه‌های روستایی خود چهره حضرت مریم را نقش میکردند؛ معماران هیكل‌های درشت و زمخت مجسمه‌های گوتیک را در شهرها محو، و بجای آن معبدهای مجلل و چهل‌ستونهای زیبا می‌ساختند؛ حکما، در خواب و خیال، راجع به افلاطون، که شاهزاده شاعران

۱. Giovanni Pierluigi da Palestrina (۱۵۹۴-۱۵۲۵) معروفترین و مهمترین مصنفان موسیقی مذهبی کاتولیک. - م.  
۲. رنسانس. - م.

## فصل دوم



(آیزن آخ، ۲۱ مارس، ۱۶۸۵ - ۲۸ ژوئیه، ۱۷۵۰، لایپزیک)

از جمله شوخیهای خطرناک یکی اینست که کسی بدون مقدمه در ردیف مصنفان بزرگ موسیقی قلمداد شود، زیرا برای این مقام فقط سه نفر شایسته‌اند و بس. ولی در هر محفل و هر مجلس بحث و جدل بین طرفداران هر یک ادامه دارد. نام «باخ» و «بتهوون» و «موزار» که مثل سه مهره برنده شطرنج بعنوان برگزیده‌ترین مصنفان موسیقی، مدام تکرار میشود نه تنها خسته‌کننده و ملال‌آور است بلکه طرفداران «هندل» و «واگنر» را نیز از جا در میبرد. ولی تردید نباید داشت که اگر به آراء عمومی رجوع شود «یوهان-سباستیان باخ» مقام اول و احتمالاً دوم را احراز میکنند.

قصه شهرت یافتن «باخ» خود داستانی بسیار شیرین و قابل تأمل است. تقریباً تا یکصد سال بعد از مرگش هیچ نام و نشانی از او در میان نبود. و همچنانکه دانشمندان دوره رنسانس استادان قدیم موسیقی را کشف کردند «باخ» هم در سده نوزدهم توسط جمعی از موسیقی‌دانها کشف شد.

## فصل ششم



(سالزبورگ، ۲۷ ژانویه، ۱۷۵۶ - ۵ دسامبر، ۱۷۹۱، وین)

هنگامی که موزار بدنیا آمدشش سال از مرگ «یوهان سباستیان باخ» گذشته بود و پیش از اینکه چهار سالش تمام شود نیز «هندل» رخت از جهان بر بست. «دمه نیکو اسکارلتی» هم بنا به رسم مردم ناپل از صحنه فعالیت گریخته بود و سالهای آخر عمر خود را به قمار میگذرانید. موسیقی دانهای بزرگ معاصر «باخ» و «هندل» همه یا از جهان رفته بودند و یا مانند «رامو»<sup>۳</sup> کار مهمی که قابل ذکر باشد انجام نمیدادند و اغلب پیروان ایشان نیز کاری را که واقعاً میتوانستند تمیکردند. «گلوک» که چهل و دومین مرحله عمر خود را میگذرانید با کوشش فراوان به تقلید شیوه ابراهای ایتالیائی مشغول بود ولی هنوز به اصلاح آن نپرداخته بود. «هایدن» نیز خط مشی خود را تعیین نساخته و اگر هم

۱. Wolfgang Amedée Mozart

۲. Salzburg شهر زیبایی است در اتریش واقع در منطقه‌ای بهمین نام در دامنه شرقی جبال آلپ، دارای دریاچه‌های زیاد و چشمه‌های آب معدنی فراوان و فستیوال سالانه آن شهرت و اهمیت دارد. - م.

۳. Philippe Rameau (۱۷۴۴ - ۱۶۸۲) مصنف و نظری‌دان و ارگ‌نواز معروف

فرانسه. - م.

## فصل هفتم



(بن ۲، ۱۶ دسامبر، ۱۷۷۰ تا ۲۶ مارس، ۱۸۲۷، وین)

در تاریخ موسیقی جهان برای عالم بی‌منت‌های معانی شاهکارهای «لودویگ ون بتهوون» نظیری نمیتوان یافت. با ظهور این موجود بسیار نیرومند چنان شکاف آشکاری در موسیقی با گذشته ایجاد شد که نظیر آن را در تاریخ هنر فقط در موارد محدودی میتوان یافت. مصنفان بزرگ متقدم، از «پالسترینا» گرفته تا «موزار» همه مردانی بودند که بدون وجود آنها کاخ عظیم موسیقی کاخی که «بتهوون» بدست آورد و مفتخر ساخت و تغییر داد - هرگز بنا نمیشد. ولی دین «بتهوون» به ایشان فقط تا آنجاییست که ایشان ابزار کار را در اختیار وی گذاشتند. این مردان بزرگ موسیقی، که همه در کار خود استادی و مهارت داشتند مخلوق یک دنیای تعبدی و فرمایشی بودند و واکنش ایشان در مقابل آن، بنا بروحیه و خوی و خلقشان متفاوت بود. بعضی آنها ستوده و پذیرفته‌اند و برخی بآن بی‌اعتنا بوده ولی بهیچوجه در صدد چون و چرا

۱. Ludwig Van Beethoven

۲. Bonn شهری در آلمان در کنار رود رین (املای فرانسه) و در پانزده کیلومتری جنوب شرقی «کولون» Colonge که دانشگاه آن معروف است. - م.



## فصل نهم



(پزارو، ۲۹ فوریه، ۱۷۹۲ - ۱۳ نوامبر، ۱۸۶۸، پاریس)

در ماه مارس ۱۸۶۰ یک مصنف جوان که با یک دنیا امید و آرزو میکوشید در عرصهٔ پیکار هنری پاریس پیروز شود با ادب و احترام بدیدن مرد مسنی رفت که سالها پیش در چنین نبردی فاتح شده و در این موقع مانند خداوند موسیقی بر مسند جلال نشسته بود و کشمکش و غوغای این پیکار را تماشا میکرد. چندی بعد مصنف «انگستری نیبه لونگ»<sup>۳</sup> راجع باین ملاقات چنین نوشت: در بین کسانی که در عالم هنر دیده و شناخته‌ام این مرد تنها کسی بود که حقیقهٔ بزرگ و شایستگی تعظیم و تکریم را داشت. «ما امروز این تعبیرات را با کمی تأمل متعلق به مصنف «ریش تراش اشبیلیه»<sup>۴</sup> میدانیم - چون میزبان «واگنر»<sup>۵</sup> «روسینی» بوده است - و اینکه ما می‌بینیم جانشین عظیم‌الشان «وبر» در تصنیف

۱. Gioacchino Antonio Rossini

۲. Pesaro شهری در ساحل دریای آدریاتیک در ایتالیا. - م.

۳. Der Ring des Nibelungen یک سلسله از داستانهای اساطیری آلمان که آنها را منظومه‌های «نیبه لونگر» Nibelungs مینامند موضوع و مضمون اپراهای «واگنر» است. - م.

۴. the Barber of Seville نام نمایشنامه‌ای بقلم «بومارشه» Beaumarchais که به فارسی هم ترجمه شده و «روسینی» آنرا بصورت اپرا تنظیم کرده است. - م.

۵. Wagner.